

حدود مالکیت خصوصی و عمومی در ایران: نگاهی جامعه‌شناختی

زهرا سرحدی^۱، سیدمحمد مهدی غمامی^{۲*}، توکل حبیب‌زاده^۳

چکیده

مالکیت به ویژه دو مقوله مالکیت و فردی و اجتماعی، از بحث برانگیزترین مفاهیم انسانی است. مالکیت فردی و اجتماعی در جوامع مختلف، ارزش متفاوتی دارند. جوامع غربی و سرمایه‌داری، برای مالکیت فردی و جوامع سوسیالیستی و کمونیستی برای مالکیت اجتماعی ارزش بیشتری قائل هستند. این امر پیامدهای مختلفی برای این جوامع داشته است و ساختار اقتصادی آن‌ها را تحت تاثیر قرار داده است. در جامعه ایران به دلیل تسلط ارزش‌های اسلامی، حکومت همواره در تلاش بوده که قوانین مالکیت را مطابق با فقه اسلامی تنظیم کند. در حقوق ایران مالکیت و حدود آن، هم شامل مالکیت عمومی است و هم منافع خصوصی را در بر می‌گیرد. در این مطالعه، به ابعاد مختلف مالکیت از منظر اجتماعی پرداخته می‌شود. ارزش‌های اسلامی نقش مهمی در وضع حدود مالکیت و پیامدهایی برای جامعه دارند. برخی از مهمترین ارزش‌های اسلامی که در تعیین حدود مالکیت اهمیت دارند عبارتند از همبستگی و عدالت. پژوهش حاضر تلاش نمود با اتکا به این ارزش‌ها، پیشنهادهایی در مورد حدود مالکیت در ایران ارائه کند.

واژه‌های کلیدی: مالکیت، مالکیت خصوصی، مالکیت عمومی

بیان مسأله

مفهوم مالکیت در بطن فعالیت‌های روزمره افراد جاری است (نانسکویل، فریدمن و جلمن^۴، ۲۰۱۸) و نقش مهمی در تنظیم روابط اقتصادی دارد (کرلیوا، بوجان، فلیپاوا، بیدوا و فلیکونپوا^۵، ۲۰۱۷). روابط اقتصادی سالم، عادلانه و پویا نقش مهمی در سلامت جامعه دارد. تعیین حدود مناسب برای مالکیت می‌تواند رفتار اقتصادی مسئولانه را افزایش دهد (ویلالانگا^۶، ۲۰۱۸؛ دیمسون، کاراکاس و لی^۷، ۲۰۱۵). تبادلات اقتصادی-اجتماعی سالم، پویا و خلاقانه مستلزم توجه به مالکیت فردی و اجتماعی به موازات یکدیگر است. مالکیت فردی، استقلال و خودمختاری شخصی را حفظ می‌کند و حدی از رقابت ایجاد می‌کند که می‌تواند پویای اقتصادی جامعه را ارتقا دهد. مالکیت جمعی نیز به رفع تبعیض و شکاف طبقاتی کمک می‌کند (اوشانا^۸، ۲۰۱۶). با گذر زمان، جنبه اجتماعی مالکیت پررنگ تر شده است (ساتو^۹، ۲۰۱۶). برخی معتقدند که افزایش مالکیت عمومی و اشتراکی، به دلیل کاهش رقابت سالم، پیامدهای منفی دارد (آذر، اشمالز و تکو، ۲۰۱۸). از جمله اینکه موجب افزایش تورم شده و سطح رفاه اجتماعی را کاهش می‌دهد (همفیل و کاهان، ۲۰۱۸).

۱- دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امارات. m.negin731@yahoo.com

۲- استادیار، دانشکده معارف و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع). ghamamy@isu.ac.ir

۳- دانشیار، دانشکده معارف و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع). habibzadeh@isu.ac.ir

⁴ Nancekivell., Friedman & Gelman

⁵ Kirillova., Bogdan., Filippov., Bidova & Filipenkova

⁶ Villalonga

⁷ Dimson., Karakaş & Li

⁸ Oshana

⁹ Sato

بنابراین وضع قوانین نامناسب در زمینه‌ی مالکیت، ارتباط مستقیمی با رفاه اجتماعی دارد. وقتی قوانین وضع شده در این زمینه نامناسب و ناکارآمد باشند، زمینه‌ی انواع آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌شود. کاهش سطح رفاه اجتماعی می‌تشد و فشار روانی زیادی برای مردم ایجاد می‌کند. رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه، در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها، از اهداف آن است (قاسمی، طاهری و مهربانی، ۱۳۹۴). هر چه رفاه اجتماعی بالاتر باشد، امنیت اجتماعی بیشتری برقرار می‌شود. نوع برخورد حکومت با مسأله مالکیت، نقش زیادی در رفاه اجتماعی دارد. حکومت‌ها موظفند که نیازهای اساسی مردم را تامین کنند. همه افراد به صرف عضو جامعه بودن باید از حداقل امکانات برخوردار باشند تا زمینه شکوفایی استعدادهایشان فراهم شود (پیلوار، ۱۳۹۳). موضوع دیگری که اهمیت اجتماعی مفهوم مالکیت را نشان می‌دهد، رابطه مالکیت و آزادی است. مالکیت و آزادی، دو ارزش و فضیلت مهم برای انسان‌هاست. این دو ارزش، پیوندی بسیار محکم و رابطه‌ای متقابل دارند (کاتوزیان و پیلوار، ۱۳۹۳). حدود مالکیت باید طوری وضع شوند که به حق اساسی آزادی آسیب نزنند. مسأله دیگر ارتباطی است که حق مالکیت با تبادلات اجتماعی دارد. مبادلات اجتماعی در حیطه مالکیت رخ می‌دهند. تبادلات اجتماعی سالم و پویا مستلزم رفتار در محدوده مالکیت خصوصی و عمومی است. جامعه‌شناسان تأکید دارند که مالکیت رابطه بین افراد و اشیاء نیست، بلکه مالکیت در حقیقت رابطه بین افراد است که در مواجهه با اشیاء حاصل می‌شود (حسینی و محمدی نجف آبادی، ۱۳۹۲). مالکیت خصوصی، تعیین‌کننده حق آزادی فردی و مالکیت عمومی تعیین‌کننده و عامل رفع شکاف طبقاتی و مشارکت و تعامل اجتماعی است.

بزرگترین انگیزه رفتاری انسان، جلب منفعت خویش است و چون انسان‌ها ذاتاً اجتماعی و وابسته به یکدیگر هستند، ناگزیرند منافع فردی خود را در جمع جستجو کنند. در نتیجه، هم زمان با جلب منافع فردی، حیات جمعی خود را نیز حفظ نموده و سامان می‌دهند. سامان دادن به حیات جمعی در عین حال که امکان عادلانه جلب منفعت را برای همه فراهم می‌کند، می‌تواند فعالیت‌های خصوصی افراد را محدود سازد. زیرا منافع عمومی همیشه با منافع خصوصی و فردی همسو نیست. هر حکومتی مکلف است امنیت منافع و مصالح عمومی و امکان همزیستی اشخاص تحت حاکمیت خود را تامین نماید و برای رسیدن به این مقصود، قوانینی وضع می‌کند که ممکن است در ظاهر، با منافع فردی همسوز نباشد (صمدی و جعفرقلیخانی، ۱۳۹۶). بها دادن بیش از حد به مالکیت خصوصی شکاف طبقاتی ایجاد نموده و فقر را گسترش می‌دهد. فقر مقدمه انواع آسیب‌های اجتماعی است (زریباف، ۱۳۹۱). در حکومت ایران با توجه به قوانین موضوعه از قبیل قانون مدنی بعضاً به مالکیت فردی اهمیت داده و حتی آن را فطری و جزو ذات بشر اعلام نموده و در همین قانون چنانچه آثار و تبعات آن با منافع اجتماع در تعارض باشد، حقوق و مالکیت فرد قربانی منافع جمع می‌شود. موضوع پژوهش حاضر این است که حکومت ایران، با توجه به اهمیت هر دو نهاد مالکیت عمومی و خصوصی، چگونه حدود آن‌ها را تعیین می‌کند که پیامدهای مثبتی عاید اجتماع گردد.

مالکیت در نظام اجتماعی ایران

با توجه به این که نظام‌های اجتماعی مختلف و مکاتب حقوقی، مذهبی تحت تاثیر عقاید تاریخی و ایدئولوژیکی برداشت‌های مختلفی از مقوله مالکیت و حدود آن دارند، هر یک متناسب با شرایط خود دامنه مالکیت‌های اشخاص (اعم از دولتی و غیر دولتی) را به طرز متفاوتی تعریف و تدوین نموده اند. به عنوان مثال در جوامع سرمایه داری (کاپیتالیسم) غرب مالکیت فردی نسبت به جوامع شرقی از اهمیت بیشتری برخوردار است یا برعکس در نظام های کمونیستی تحت عقاید مارکس، انگلس و لنین مالکیت خصوصی (فردی) به کلی سلب و به مالکیت دولت اهمیت داده شده است؛ بنابراین در هر یک از دو نظام فوق که یک

سویه به این موضوع نگریسته‌اند، ابهامات، شبهات و نقایصی از دید جامعه‌شناسی و حقوقی وجود دارد. ایران در طول تاریخ همواره دولت و جامعه‌ای استبدادی بوده که در آن، دولت، طبقات اجتماعی، قانون، سیاست و مانند آنها صورتی متفاوت با آنچه در تاریخ اروپا مشاهده شده و نظریه پردازان اروپایی تبیین و تحلیل کرده اند داشته است. نظام حکومت استبدادی، مبتنی بر انحصار دولتی حق مالکیت است. حق مالکیت خصوصی اراضی وجود نداشت، بلکه فقط امتیازی بود که دولت به اشخاص می داد و هر زمان اراده می کرد، پس می گرفت (کاتوزبان)، این موضوع یعنی انحصار مالکیت برای دولت، پیامدهای منفی زیادی برای توسعه اجتماعی ایران داشته است.

در نظام اجتماعی حکومت ایران اگرچه هیچ کدام از شیوه‌های فوق را مستقلاً انتخاب نکرده است، لیکن با نگرش به نظام حقوقی اسلام و فقه امامیه در قوانین موضوعه به خصوص قانون اساسی چنین به نظر می‌رسد که مالکیت خصوصی اشخاص را با توجه به حدود آن به صورت مشروط معتبر و محترم شمرده است. در حقوق ایران مالکیت و حدود آن، هم شامل مالکیت عمومی و جامعه است هم منافع خصوصی را در بر می‌گیرد؛ مثلاً هر جا منافع فرد با منافع اجتماع در تعارض باشد، منافع اجتماع را بر منافع فردی مقدم می‌دارد. چنان که لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ در مواد ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ و تبصره‌های آن مقرر می‌دارد که در صورت ارائه طرح و برنامه ضروری جهت امور عمومی و امنیتی پس از طی تشریفات قانونی ضمن در نظر گرفتن منافع فردی با پرداخت بهای عادلانه روز ضرورتاً آن ملک در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

اصل مالکیت و اقتضاء آن در مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی است و استثناء مالکیت در ماده ۱۳۲ همان قانون از اطلاق خارج است که در هماهنگی با اصل ۴۰ قانون اساسی یعنی حکومت قواعد عمومی و منافع عمومی جامعه بر قواعد خصوصی می‌باشد (هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد) از منظر فقهی بحث تعارض قاعده تسلیط و قاعده مصلحت و حفظ نظام پیش می‌آید و قاعده تسلیط و منافع فردی را محدود می‌کند. لذا در همین راستا می‌توان گفت اصل یک قانون اساسی، اولین اظهار قانونی است که در آن حکومت ایران با رای مردم بر مبنای جمهوری اسلامی تحت رهبری امام خمینی قرار می‌گیرد. طرح حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه در ایران مربوط به شخص امام خمینی می‌باشد که در فقه امامیه نیز در خصوص ولایت فقیه دو نظریه وجود دارد: ولایت مطلقه فقیه بر مبنای نظریه امام خمینی می‌باشد و نظریه دوم ولایت محدود فقیه است که ماهیت و آثار این ولایت بر مبنای نظریه اول در موضوع مالکیت می‌تواند فراتر از قوانین موضوعه و مدونه حکومت ایران باشد.

ارزش‌های حاکم بر حدود مالکیت در نظام اجتماعی و حقوقی ایران

با توجه به این که نظام‌های اجتماعی مختلف و مکاتب مذهبی تحت تاثیر عقاید تاریخی و ایدئولوژیکی، برداشت‌های مختلفی از مقوله مالکیت و حدود آن دارند هر یک متناسب با شرایط خود دامنه مالکیت اشخاص (عمومی، دولتی، فردی) را به طرز متفاوتی تعریف و تدوین نموده‌اند. در جوامع سرمایه‌داری غرب یا کاپیتالیسم، مالکیت فردی اهمیت بیشتری دارد در حالی که در نظام‌های کمونیستی و سوسیالیست مالکیت فردی به کلی سلب و به مالکیت دولتی اهمیت داده شده است. مبنای ارزشی و ایدئولوژیکی برای حدود مالکیت عمومی و خصوصی در جامعه ایران، ارزش‌های اسلامی است.

دین اسلام از یک سو با ارائه دستوراتی مثل خویشن‌داری، خودکفایی و عدم عرضه فقر خود به دیگران بر حفظ کرامت فردی تاکید می‌ورزد و از سوی دیگر با تشویق مومنان به رفع نیازمندی‌های مالی و غیر مالی یکدیگر (از طریق اطعام، انفاق، پرداخت دیون و غیره) بدون تذکر و یادآوری، پرهیز از بخل، امر به گشاده‌دستی، اعتدال در انفاق، گوش فرادادن به حاجت حاجتمندان، رعایت ادب و نزاکت و رفع نیاز در صورت امکان و یا دفع پسندیده با کلام نیکو و شایسته، موجبات تثبیت ملکه اخلاقی تواضع، اخلاص، قناعت و نیکوکاری در انسان‌ها را فراهم می‌سازد تا بدین سان مانع رسوخ فقر در جامعه و در نتیجه گسترش جنایت، فحشاء و هتک حرمت انسان‌ها باشد و تبعاً نیرویی از جامعه که به واسطه فقر به انزوا کشیده شده‌اند، حیات اقتصادی اجتماعی خود را بازیافته و به پویایی درآیند (بهارزاده و عقابیان، ۱۳۹۳).

• همبستگی، یک ارزش اسلامی

«برادری و همبستگی اجتماعی» به عنوان یک ارزش اسلامی در تشکیل حکومت در سنت اسلامی نقش زیادی دارد. در دولت اسلام، روحیه برادری ارزشمندتر و اخلاقی‌تر آن چیزی است که در حکومت‌های دیگر، حقوق همبستگی نامیده می‌شود زیرا؛ انسان‌های کنونی همه از یک پدر و مادر و نهایتاً همه متعلق به یک کل هستند، کما این که حضرت علی(ع) در عهدنامه مالک اشتر و هنگامی که مالک را به حکومت مصر منصوب کرد با توجه به این که در آن زمان مصر تازه فتح شده بود و غیرمسلمانان زیادی در آن جا وجود داشت، صریحاً می‌فرماید: انسان‌ها یا برادر دینی هم هستند یا برادر انسانی یکدیگرند. پس بدون تردید، این عبارت تفسیری است برای آیات قرآن مبنی بر این که همه با هم برادرند (صرف نظر از این که از لحاظ تاریخی هم به یک پدر و مادر می‌رسند).

به چند آیه قرآن کریم در این رابطه اشاره می‌شود از جمله آیه: "مومنان برادر یکدیگرند پس برادرانتان را صلح و آشتی دهید"^{۱۰} و در ادامه، در آیه ۱۱، خداوند گناهانی که این برادری را تخریب می‌کند یعنی مسخره کردن، عیب‌جویی، اسناد القاب زشت، بدگمانی، تجسس و غیبت را نهی می‌نماید. در جای دیگر می‌فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید... در راه خیر و تقوی همدیگر را یاری کنید..."^{۱۱} از آیات مذکور می‌توان نتیجه گرفت که، مبنای دین اسلام مودت و اوج محبت است نه براساس صرف عقلانیت.

هنگامی که همبستگی، برادری و محبت از جمله اصول حاکم بر نظام مالکیت باشد حقوق باید، در هنگام وضع و اجرای قوانین به این قاعده و لوازم و مقدمات آن پایبند باشد (پیلوار، ۱۳۹۱). از جمله آثار مهمی که اعمال این قاعده در حقوق مالکیت از خود به جای می‌گذارد، می‌توان به اختصار نام برد:

- تامین حداقل‌ها برای افراد جامعه

با توجه به مبنای همبستگی و برادری تامین حداقل‌ها برای آحاد افراد جامعه امری ضروری و حقوقی مسلم محسوب می‌گردد که حکومت بایستی به آن اهتمام داشته باشد.

^{۱۰} - س حجرات، آ ۱۰ (انما المومنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم...)

^{۱۱} - س مائده، آ ۲ (...و تعاونوا علی البر والتقوی...)

- نفی تعارض و اختلاف شدید طبقاتی

از آنجایی که از یک سو فقر و از سوی دیگر ثروت خارج از حد و لجام گسیخته (رانت و ...) هردو ضد ارزش انسانی و حکومت دینی محسوب می‌شوند. بدون تردید خلاف روحیه همبستگی، محبت و برادری افراد جامعه به حساب می‌آیند بایستی در نظام مالکیت عادلانه از اجتماع زدوده شود.

- ممنوعیت مالکیت‌های اختلاف برانگیز

مالکیت‌هایی که حاصل آن در ذات خود موجب اختلاف و دشمنی میان مردم است، ممنوع می‌باشد و قوانین و مقررات نباید زمینه دشمنی را بین مردم فراهم کنند وگرنه خلاف این اصل عمل کرده‌اند. مثل قمار

- وضع مالیات‌های بازتوزیعی

اگر مردم مالیاتی را که می‌پردازند متوجه شوند که به وضوح و شفافیت در عمران و آبادانی منطقه و کشور و مردمانش خرج می‌شود و اثر آن مشارکت در غم و شادی‌های یکدیگر می‌باشد، با جان و دل این اصل را اثر آن لطمه به روح همبستگی و برادری و بی‌اعتمادی به حکومت است.

- تشویق به انفاق و احسان

وظیفه یک نظام مالکیت عادلانه این است که عواطف و احساسات مردم را تشویق و تحریک به احسان و نیکوکاری نماید و این امر را تبلیغ و ترویج نماید زیرا؛ انسان موجودی فراموش کار است و نیاز به تذکر و یادآوری دارد چرا که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ".... و مکرر تذکر ده زیرا تذکر مومنان را سود می‌بخشد"^{۱۲}.

- اخذ، سلب یا تحدید اموال خصوصی جهت مصالح عمومی

از دیگر آثار اصل همبستگی در مالکیت عادلانه در حکومت این است که به عنوان نماینده، جامعه در صورت ضرورت، اموال افراد را تملک و جهت نفع عمومی به کار ببرد. اخذ اموال خصوصی جهت منافع عمومی که در حقوق کنونی از بدیهیات است، در حقوق سابقه طولانی دارد و در زندگی شهری و پیچیده امروزی که روابط اجتماعی نیز توسعه یافته است تعاون و همبستگی ایجاد می‌کند، افراد گرچه مالکیت فردی خود را از راه صحیح و قانونی حاصل نموده‌اند، چنانچه ضرورت باشد به نفع جمع از مالکیت خویش صرف نظر کنند. و در این کار دو شرط جهت مالکیت و حقوق مالکانه فرد ضرورت دارد: اول این که وجود نفع یا مصلحت عمومی دخیل باشد و دوم پرداخت معوض عادلانه در حق مالک کارسازی شود.

دقت در ارزش همبستگی نشان می‌دهد که مبنای ارزشی قوانین مالکیت در نظام اسلامی، ایجاد تعادل و توازن بین مالکیت فردی و اجتماعی است به شکلی هیچ یک به دیگری ضرر نزنند. رابطه مالکیت فردی، برخلاف تصور اولیه یک نهاد حقوقی صرفاً

^{۱۲}- قرآن کریم، س ذاریات، آ ۵۵ " و ذَکِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِیْنَ "

فردی، نیست بلکه مالکیت فردی به شدت تمام با روابط اجتماعی افراد گره خورده است. زیرا اولاً تا جامعه مالکیت فرد و ادعای او را نپذیرد، این ادعا هیچ ارزشی ندارد. ثانياً این جامعه است که از مالکیت فرد با تحمل هزینه‌های گزاف، دفاع می‌کند. مثلاً در مقابل سارق، از او دفاع می‌کند یا نظام ثبت اسناد و املاک را پیاده می‌کند. چون در غیر این صورت مالکیت فردی متزلزل و بی-اعتبار می‌شود (پیلوار، ۱۳۹۱). البته روش اعمال حق مالک بر مالش، می‌تواند بر دیگر افراد جامعه اثر بگذارد و آن‌ها را به نحو مثبت یا منفی تحت تاثیر قرار بدهد و دیگر این که نحوه توزیع ثروت در یک جامعه اثر مستقیم قواعد حقوقی آن جامعه است. این موضوع در جامعه‌ای که مالکیت زنان را می‌پذیرد با جامعه‌ای که مالکیت آنان را نمی‌پذیرد و ... به خوبی آشکار می‌شود.

• عدالت و برابری

برابری نه تنها ارزش و فضیلتی مهم بلکه ارزش و فضیلتی واجب و لازم است و باید هم در روابط افراد با یکدیگر و هم در روابط حکومت و مردم در خصوص مالکیت، رعایت شود در غیر این صورت ظلم حاکم تلقی می‌گردد. حق برابری افراد نسبت به منابع عمومی جامعه لازم‌الرعایه است. به همین دلیل ایجاد نابرابری نامشروع در اجتماع و بقاء و استمرار این نابرابری ظلمی آشکار است. به همین دلیل، گفته شده امروزه برابری ارزشی مردم و مقدمات و لوازم آن بدیهی فرض می‌شود و از اصول لاینفک یک جامعه تلقی می‌گردد (راسخ، ۱۳۸۱).

هیچ حکومتی مشروعیت نخواهد داشت مگر این که به سرنوشت تمام شهروندانش توجه برابر داشته باشد. شهروندانی که حکومت، ادعای تسلط بر آنان را دارد و ادعا می‌کند مشروعیت خود را از آنان گرفته است، توجه برابر، فضیلت حاکم بر یک جامعه سیاسی است و بدون آن، حکومت یک حکومت ظالم است. نابرابری در میان انسان‌ها در گذشته وجود داشته و طبیعی و لازم هم تلقی می‌شده مثلاً ارسطو معتقد بود: "... برخی از انسان‌ها اصلاً مثل گاو و گوسفند برای خدمت آفریده شده‌اند... اما دیگران هم که برده نیستند با یونانیان برابر شمرده نمی‌شوند. آزادی و سروری در انحصار یونانیان است. بیگانه همیشه باید به یونانی خدمت کند ما آزادیم و آنان بنده... [همچنین ارسطو] استعداد عقلی و اخلاقی، زنان را برای برخورداری از آزادی و حقوق سیاسی کافی نمی‌شمارد... اروپائیان نیز سابقه سیاهی دارند... (پیلوار، ۱۳۹۱). وقتی اروپا در قرن شانزدهم میلادی برخاست، مسیحیان، سیاهان آفریقایی را اولاد حام و کنعان می‌دانستند که به نفرین پدر [نوح(ع)] گرفتار و تا ابد محکوم به بردگی شده‌اند..." و چه جنایت‌ها که به همین بهانه‌ها در حق سیاهان آفریقایی رفت. شرقیان هم در این زمینه فاقد سابقه خوب هستند مثل وجود جامعه طبقاتی (کاست) در کشورهای نظیر ایران و هند یا برتری طلبی عرب‌ها بر مسلمین غیرعرب که برخلاف تعالیم نجات بخش اسلام، اسلام انسانی را به اسلام عربی تبدیل کرده‌اند (میانجی، ۱۳۸۷).

دین اسلام، توجه خاصی به محرومین و مستضعفان دارد. امروزه به طور تقریبی به یک اجماع در دنیا رسیده‌اند تا برای محرومین جامعه هم، سطحی از رفاه فراهم شود و شکاف طبقاتی را تا اندازه‌ای جبران کنند که در کشورهای مغرب زمین این دیدگاه عموماً نهادینه شده است. در دین مبین اسلام، رفع شکاف طبقاتی، از بدو آغاز رسالت پیامبر(ص) با پدیده خمس و زکات و توصیه فراوان به انفاق و وقف آغاز شد. امام صادق(ع) فرموده: سه چیز است که تمام مردم به آن نیازمندند: ۱- امنیت ۲- عدالت ۳- فراوانی نعمت. در همین راستا در فقه بیان شده است که ثروتمند شدن همه مردم، هدف اسلام است با این قید که موجب طغیان نشود.

یکی از ابعاد عدالت، عدالت جنسیتی است. بر اساس ارزش‌های اسلامی، زنان و مردان به طور یکسان، حق مالکیت دارند. یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعه هر کشور صنعت زنان و نوع مشارکت آنان است. زنان به عنوان بخشی از

سرمایه‌های انسانی هر جامعه، با مشارکت خود می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در توسعه کشور داشته باشند. با وجود این، موانع مختلفی برای مشارکت اقتصادی زنان در جامعه ایران وجود دارد که یکی از آن‌ها سرمایه دار نبودن است. با توجه به اینکه زن به عنوان نیمی از پیکر اجتماع بشری در کنار مردان زندگی و حیات اجتماعی را رقم می‌زنند و هر گونه توسعه اجتماعی و پیشرفتهای مترتب بر آن مدیون همه ی اعضای جامعه انسانی اعم از زن و مرد است (ملکشاه و بهرامیون، ۱۳۹۴). محرومیت زن از حقوق مالی یکی از ستم‌هایی است که در تاریخ گذشته در حق زنان اعمال گردید. زن، پیش از اسلام نه تنها از هرگونه بهره اقتصادی محروم بود، بلکه خود نیز بهره دیگران بود؛ نه از ارث سهمی داشت و نه از کابین، حتی از حاصل دسترنج خویش نیز محروم بود (طاهری نیا، ۱۳۸۴). با استناد به آیه ۲۲ سوره نساء، همانطور که اگر مردان چیزی تحصیل کنند، مالک آن می‌شوند، زنان نیز اگر مالی به دست آورند مالک آن خواهند بود.

اصول حاکم بر نظام مالکیت عادلانه

ضرورت دارد حکومت و جامعه از مالکیت حمایت نماید. هر جامعه‌ای که براساس عقلانیت و عدالت شکل گرفته، مالکیت فردی را در حد معقول و متعارف تحمل و به رسمیت شناخته است. گفته شده این مالکیت معقول و متعارف که از صافی‌های متعدد گذشته و پاک و تصفیه شده است، تبدیل به حقی عادلانه و قابل دفاع و حتی مقدس می‌گردد به نحوی که در اسلام حرمت آن، هم پای حرمت خون انسان‌ها و بالاتر از حرمت کعبه قرار می‌گیرد. فقهای شیعه و سنی از جمله اهداف پنج‌گانه شریعت را در کنار حمایت از نفس، عقل، دین و نسل، حمایت از مال بیان کرده‌اند (بلتاجی، ۲۰۰۷). اصول حاکم بر نظام مالکیت عادلانه در نظام اسلامی عبارتند از:

- ضرورت دفاع از مالکیت

اگر جامعه‌ای از مالکیت افراد از طریق قوانین الزام آور حمایت نکند، شناختن یا نشناختن حق مالکیت در آن جامعه فرقی ندارد.

- نظریه وحدت اموال

در جامعه اسلامی اموال دیگران از نظر لزوم دفاع و حمایت از آن مانند اموال خود شخص است. پس، تجاوز به مال هر فردی همچون تجاوز به اموال تمام افراد جامعه است.

- نحوه دفاع از مالکیت فردی

حقوق معمولاً به دو روش کیفری و مدنی از مالکیت افراد در جامعه دفاع می‌کند. طریقه کیفری، این است که با وضع مجازات‌های مختلف کسانی را که به مالکیت افراد جامعه تجاوز می‌کنند، مجازات می‌نمایند نظیر سارقین، اتلاف‌کنندگان عمومی اموال، واردین غیرمجاز به املاک مردم و.... روش غیرکیفری حمایت از مالکیت افراد هم عبارت است از: وضع قواعد مسئولیت مدنی که به موجب آن‌ها ضررزنندگان به اموال غیر به موجب قوانین مختلف، مسئول قرار می‌گیرند.

- ایجاد محدودیتهای معقول و عادلانه برای حق مالکیت

محدودیت‌های مالکیت با توجه به زمان و مکان نیز تغییر می‌کند؛ مثلاً امری در گذشته برای مالک مجاز بوده است، در زمان دیگر ممنوع می‌گردد یا بالعکس. همچنین است تفاوت محدودیت‌های مالکیت در جوامع مختلف که در هر کشور، محدودیت‌ها نسبت به جامعه دیگر تفاوت دارد. در مرحله تملک، بار اثبات توجیه محدودیت حق تملک برعهده تحدیدکننده است.

- منع تملک اموال عمومی

اموال عمومی، اموالی هستند که در تمام زمان‌ها متعلق به کل جامعه هستند و تملک آن‌ها تجاوز به حق تمام جامعه است. مصادیق اموال عمومی ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تغییر یابد. لکن باید توجه داشت آن چه که اختصاص یافتن انحصاری آن به یک شخص خلاف مصلحت عمومی باشد نباید قابل تملک خصوصی باشد در کشور ما معادن زیرزمینی از قبیل نفت و گاز از این مصادیق هستند.

- منع تملک اشیاء مضر و نامشروع

تملك برخی از اشیا از طریق حیازت یا عقد یا ... در جامعه قابل قبول نیست. مثل، مواد مخدر که ویرانگری به ارمغان می‌آورد. بنابراین جامعه، می‌تواند حق تملک به آن را ممنوع اعلام و به رسمیت نشناسد یا مواد محترقه جهت استفاده غیرنظامی و نسبت به برخی حیوانات حرام گوشت می‌توان اشاره نمود.

- ممنوعیت تملک اعضای بدن انسان

با توجه به لغو برده‌داری نگرانی نسبت به تملک انسان کمتر شده است البته با توجه به شرافت و کرامت انسان مقنن باید بسیار احتیاط به عمل آورد تا جلوی سوءاستفاده گرفته شود و جز به ضرورت نباید تملیک و تملک اعضای بدن انسان را جایز بشمارد زیرا وارد شدن بدن انسان به چرخه اقتصاد آغاز نابودی شرافت و کرامت انسان است.

- در مرحله استفاده، منع سوءاستفاده از حق مالکیت

از حق مالکیت مانند هر حق دیگری ممکن است، سوءاستفاده صورت گیرد و این عمل توسط مالک صورت می‌گیرد. در اسلام ممنوعیت از حق مالکیت بسیار کهن و ریشه دار است و اتفاقاً حدیث متواتر لاضرر و لاضرار فی الاسلام (قاعده لاضرر) و داستان معروف سمره بن جندب از سوءاستفاده از حقش، شکل گرفت. به همین دلیل هم، فقها هیچ شکی در حکومت قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط به خودشان راه نداده اند^{۱۳}. در حقوق ایران، در قانون مدنی به پیروی از فقه و از همان ابتدا حق مالکیت، مصرح در ماده ۳۰ ق.م محدود گردید. قانون اساسی هم در اصل ۴۰ مقرر داشته: "هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد"

- منع استفاده نامشروع

از آن جایی که حق مالکیت در شبکه پیچیده روابط اجتماعی قرار دارد، قانون‌گذاران، در کنار ایجاد حق مالکیت، برخی استفاده‌ها از اموال را ممنوع نموده‌اند و اجازه نمی‌دهند مالک برخلاف قوانین از حق مالکیت خود استفاده کند.

- ایجاد محدودیت برای مالک به علت برخی مصالح والاتر

جامعه یا حکومت ممکن است به دلیل مصالح با ارزش‌تر، مالک را مستقیم یا غیرمستقیم در استفاده از مالش محدود نماید؛ گرچه برخلاف میل وی باشد.

- تقدم حقوق عمومی بر حقوق خصوصی

^{۱۳} - سیستانی، سیدعلی حسینی، قاعده لاضرر لاضرار در: لوح فشرده جامع فقه اهل بیت(ع) نور ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

از منظر اجتماعی، فرد هیچ‌گونه حق مطلقى مقابل منافع عموم ندارد. زندگی با سایرین، یک سلسله تکالیف مختلف برای او پدید آورده است و آزادی او، چه در عرصه‌ی سیاسی و اقتصادی و چه در امور قراردادها، تا جایی محترم است که منافع عمومی مخالفتی با آن نداشته باشد.

- اصل ترجیح حقوق عمومی بر حقوق خصوصی

در برخی از موارد مثلاً دو اصل یکی محترم بودن مالکیت خصوصی و دیگری اصل رعایت حقوق شهروندی مردم باهم متضاد می‌شوند، زمانی که برای اجرای حق مردم مبنی بر تسهیل در امور مختلف زندگی، قرار باشد طرحی انجام شود اگر این طرح با مالکیت خصوصی بعضی افراد متعارض باشد، اصل بر رعایت مواردی است که قرار است برای مسائل عمومی و رفاه جمعی جامعه انجام شود.

نتیجه‌گیری

در دنیای کنونی، مقوله مالکیت یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات بشری است که در حکومت ایران با برداشت از حقوق اسلام، فقه شیعه، قانون اساسی و قوانین عادی به مالکیت فردی اهمیت داده شده و حتی آن را فطری و جزء ذات بشر اعلام نموده است. حال در همین قوانین چنان چه آثار و تبعات آن با منافع اجتماع در تعارض باشد، حقوق و مالکیت فرد قربانی منافع جمع می‌شود. در نظام حقوقی حکومت ایران مقوله مالکیت، نه از شیوه‌های سرمایه‌داری غرب پیروی می‌کند که به مالکیت فردی بها می‌دهد و نه از شیوه سوسیالیستی و مالکیت دولتی، بلکه شیوه‌ای مستقل از دو روش فوق و متکی بر ارزش‌های اسلامی مهمی مانند همبستگی و عدالت است. حدود مالکیت خصوصی ناشی از آزادی‌های فردی در کسب و کار و انتخاب شغل، مادامی که مانع کسب و کار دیگران نشود و مزاحمتی با حقوق دیگران نداشته باشد، مشروع و قانونی می‌داند. نباید به مقوله مالکیت به عنوان یک حق فردی به تنهایی نگریست و بر اساس آن داوری نمود. بلکه مالکیت فردی حقی است که در شبکه روابط اجتماعی و قواعد حقوقی آن جامعه وجود دارد. به تعبیر دیگر به مالک و مال او دو گونه می‌توان نگریست؛ اول این که، مالی مستقل وجود دارد و مالک حاکم آن است و دوم، مالی به کل تعلق دارد و به منزله جزئی از آن کل در ملکیت مالک وارد شده است که با توجه به مطالب و ادله پیش گفته دیدگاه دوم صحیح است زیرا مالکیت فرد با اجتماع درهم تنیده است.

برقراری تعادل بین مالکیت خصوصی و عمومی اهمیت زیادی دارد زیرا اگر عدم تعادل مالکیت به نفع مالکیت خصوصی باشد، انسداد اجتماعی رخ می‌دهد، به این معنا که امکانات به شکل انحصاری درمی‌آیند (جلایی پور و عزیزی‌مهر، ۱۳۹۶). در این حالت، حرص و ولع افراد برای مال اندوزی، حس برتری خواهی و تجملگرایی افزایش می‌یابد و نیازهای کاذب این طبقه موجب کاهش احساس تعلق و مشارکت مدنی در بین آنها می‌شود (ربانی، کلاتری و هاشمیان فر، ۱۳۸۹). بها دادن به مالکیت عمومی و حراست و حفاظت از اموال موجب می‌شود که شهروندان نسبت به محیط‌های شهری احساس تعلق کنند و در مراقبت از آن‌ها اهتمام ورزند و مشارکت کنند. مشارکت و عدم مشارکت مردم می‌تواند برنامه‌ریزی‌های یک شهر یا منطقه را تحت تاثیر قرار داده، روند برنامه‌ریزی را سرعت بخشیده یا کند نماید، از این رو بررسی موانع و مشکلات مشارکت مردم در یک منطقه یا شهر به روشن شدن آن کمک خواهد کرد. تنها با بهره‌گیری درست و بهینه از توان و استعدادهاى موجود در شهروندان و شهرها در قالب برنامه‌های مشارکتی قابل دستیابی است (انصاری و تاج‌الدین، ۱۳۹۳).

- ۱- هنگام تعارض مالکیت خصوصی اشخاص با مالکیت عمومی، مالکیت عمومی مقدم بر مالکیت خصوصی است. بنابراین در جامعه باید به نحوی ارزش گذاری نمود که همه افراد برای مالکیت جمعی احترام قائل باشند و نسبت به اموال عمومی احساس تعلق نمایند.
- ۲- هرچند اقتصاد و مالکیت در ایران با توجه به حقوق اسلام و مبانی فقهی شیعه و اصول قانون اساسی و قوانین عادی پیاده نشده است اما، دارای ضعف هایی در بخش مالکیت اشخاص و مالکیت خصوصی می باشد و بیشتر اقتصاد، دولتی است و علاوه بر اعمال حاکمیت، اعمال تصدی گری بنابر مصلحت توأم با اعمال سلیقه حاکم است که به سیستم اقتصاد دولتی و سوسیالیستی شباهت بیشتری دارد. بهتر است نسبت به جراحی اقتصاد و خروج آن از دست دولت و تقویت مالکیت خصوصی سوق داده شود و تحدید و سلب مالکیت خصوصی برداشته شود مگر، در صورت نیاز و حاجات عمومی. زیرا تجربه بسیاری از کشورهای دنیا ثابت نموده که دولت، تاجر و مالک خوبی نیست.
- ۳- برقراری تعادل بین مالکیت خصوصی و عمومی، منافع زیادی برای جامعه دارد و سیاست های حکومتی باید در جهت برقراری این تعادل باشد. هر دو نوع مالکیت لازمه یک جامعه سالم و پویا هستند. دیده می شود که نسبت به مالکیت خصوصی، دید منفی وجود دارد. در حالی که مالکیت خصوصی می تواند سرمایه گذاری داخلی را ارتقا داده و زمینه توسعه اجتماعی را فراهم کند. رسانه ها باید دیدگاه واقع بینانه و متعادل به موضوع مالکیت را ترویج دهند.
- ۴- رواج مالکیت جمعی از طریق قوانین اسلامی مانند خمس و زکات باید جدی گرفته شود. این قوانین می توانند شکاف طبقاتی ایجاد شده در جامعه را کاهش دهند. رواج مالکیت عمومی یا جمعی مستلزم تقویت ارزش های جمعی است.
- ۵- راهکارهای دین اسلام در مورد حدود مالکیت، می توانند به توسعه اجتماعی کمک زیادی کنند. برای مثال فرهنگ وقف و انفاق می تواند افراد را از مال اندوزی به سمت مشارکت در توسعه اجتماعی ببرد.
- ۶- با وجود اختیاراتی که قانون در مورد حق مالکیت خصوصی قائل می شود، باید مالکان را تشویق به سرمایه گذاری در بخش های اجتماعی نمود که منافع و پیامدهای اجتماعی زیادی دارند. این امر از طریق تشویق و پشتیبانی دولت و تلاش برای کاهش فرهنگ مصرف گرا و افزایش فرهنگ تولید امکانپذیر است.
- ۷- برقراری توازن بین مالکیت خصوصی و عمومی امری دشوار و تخصصی و میان رشته ای است. بنابراین لازم است پژوهشگرانی در حوزه های اقتصاد، سیاست گذاری، حقوق، جامعه شناسی و... گرد هم آمده و همفکری نمایند.

منابع

- انصاری، ابراهیم و تاج الدین، حمید. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: منطقه. مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری).. ۴(۱۲): ۱۶۱-۱۷۸.
- بلتاجی، محمد. (۲۰۰۷م). الملکيه الفردیه فی نظام الاقتصاد، دارالسلام، قاهره.

- بهارزاده، پروین و عقابیان، ملیحه. (۱۳۹۴). احکام و آثار فردی و اجتماعی انفاق از منظر قرآن و روایات. کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- پیلوار، رحیم. (۱۳۹۶). مبانی فلسفی حق افراد بر داشتن حداقل دارایی از دیدگاه حقوق خصوصی (همراه با مطالعه تطبیقی). پژوهش حقوق خصوصی. ۶(۲۲): ۶۹-۹۲.
- پیلوار، رحیم. (۱۳۹۱). فلسفه حق مالکیت. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- جلایی پور، حمیدرضا و عزیزی مهر، خیام. (۱۳۹۶). تحلیل جامعه شناختی ارزشهای طبقاتی در ایران. مطالعات جامعه شناختی. ۲۴(۱): ۳۱۹-۳۴۶.
- حسینی، سیدمحمدرضا؛ محمدی نجف آبادی، عبدالمجید. (۱۳۹۲). تأثیر حقوق مالکیت در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه (زمینه ها و موانع). برنامه ریزی و بودجه. ۱۸(۲): ۱۶۳-۱۸۴.
- راسخ، محمد. (۱۳۸۱). حق و مصلحت. تهران: طرح نو.
- ریانی، رسول؛ کلانتری، صمد و هاشمیان فر، علی. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین عوامل اجتماعی با نابرابریهای اجتماعی. رفاه اجتماعی. ۱۱(۴۱): ۲۶۱-۳۰۵.
- زریباف، سیدمهدی. (۱۳۹۱). مروری بر علل فقر از منظر اقتصاد متعارف. مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی. ۱: ۷-۲۶.
- صمدی، امین الله و جعفر قلیخانی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). تاثیر مصلحت عمومی در مالکیت خصوصی. پیشگیری از جرم و حقوق. ۱۱: ۳۸۳-۳۹۲.
- طاهری نیا، احمد. (۱۳۸۴). زن و استقلال اقتصادی. معرفت. ۸۹
- کاتوزیان، ناصر و پیلوار، رحیم. (۱۳۹۳). مالکیت و آزادی. مطالعات حقوق خصوصی. ۴۴(۱): ۵۴-۶۷.
- کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۸۳). دولت و جامعه در ایران؛ انقراض قاجار و استقرار پهلوی. ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- ملکشاه، آرزو و لیلا بهرامیون. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی حق مالکیت زن در نظام حقوق اسلام و غرب، کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم، مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر،
https://www.civilica.com/Paper-ICCRT01-ICCRT01_0568.html
 میانجی، احمد. (۱۳۸۷). مالکیت خصوصی در اسلام. تهران: نشر دادگستر.

- Azar, J., Schmalz, M. C., & Tecu, I. (2018). Anticompetitive effects of common ownership. *The Journal of Finance*, 73(4), 1513-1565.
- Dimson, E., Karakaş, O., & Li, X. (2015). Active ownership. *The Review of Financial Studies*, 28(12), 3225-3268.
- Hemphill, C. S., & Kahan, M. (2018). The Strategies of Anticompetitive Common Ownership. *NYU Law and Economics Research Paper*, (18-29).
- Kirillova, E. A., Bogdan, V. V., Filippov, P. M., Bidova, B. B., & Filipenkova, O. G. (2017). Public Interest as a Ground for Restriction of the Ownership Right. *Journal of Advanced Research in Law and Economics*, 8(7 (29)), 2157-2164.
- Nancekivell, S. E., Friedman, O., & Gelman, S. A. (2018). Ownership Matters: People Possess a Naïve Theory of Ownership. *Trends in cognitive sciences*.
- Oshana, M. (2016). *Personal autonomy in society*. Routledge.

- Sato, H. (2018). The Emergence of “Modern” Ownership Rights Rather than Property Rights. *Journal of Economic Issues*, 52(3), 676-693.
- Villalonga, B. (2018). The Impact of Ownership on Building Sustainable and Responsible Businesses. *Journal of the British Academy*, 6(s1), 375-403.